



سرقت علمی

فناوریهای جدید

● محمد عطاران

▲ **کلیدواژه:** سرقت علمی، ناتوانی در نوشتن، پژوهش، دانش، نوشتن.

در این نوشته می‌خواهیم با مفهوم سرقت علمی و علل آن آشنا شویم. آن چه که مقصود نگارنده در این مقاله است، بیشتر جنبه آسیب‌شناسی دارد و به عللی که زمینه‌ساز استفاده نویسندگان از دسترنج دیگران در هر سطح است، اشاره می‌شود؛ معضلی اخلاقی و اجتماعی که فناوریهای جدید امکان آن را بیشتر و سهولت‌تر کرده‌اند.

محصول دانش و معرفت به آسانی به دست نمی‌آید و گاه حاصل ماهها و سالها تلاش یک محقق است که یکباره طعمه دیگری می‌شود. درست مانند آن که شما وارد خانه خود بشوید و ببینید سارقی یکسبه در حالی که کسی در خانه نبوده، حاصل سالها سعی و کوشش شما را برده است. حال و روز خود را در این وضعیت تجسم کنید. یا لحظه‌ای را تصور کنید که سارقی نابکار یکباره کیف شما را می‌دزدد و حقوق ماهانه شما را که

از بانک گرفته‌اید، از دستتان می‌رباید. البته این تشبیه‌ها و همانند سازیها در ذهن بسیاری از کسانی که در قلمرو دانش و معرفت دست به سرقت کالای دیگران می‌زنند، راه نمی‌یابد. آنها صفت دزد را برای کار خود درست نمی‌پندارند و حالاتی را که ما برای صاحب کالا و سارق کالا وصف کردیم، درباره صاحب اثر علمی و خود صادق نمی‌دانند. در واقع قبح دو سرقت را از یک نوع نمی‌شمارند.

پیش از ادامه مطلب ابتدا بهتر است تعریفی کوتاه و ساده از سرقت علمی یا ادبی ارائه کنیم. لستر (۱۹۹۵) سرقت ادبی را «استفاده عمدی از نوشته دیگران به جای نوشته خود» تعریف می‌کند [حسرتی، ۱۳۸۴] زاهدی (۱۳۸۶) نیز به نقل از «کمسیون بی‌عیبی و درستی پژوهش»، سرقت تألیفات را به بی‌پروایی و از روی عمد به این معنی می‌داند که نویسنده نظرات، عبارتها، داده‌ها، نمودارها یا حتی پروتکل‌های علمی چاپ نشده دیگران را به جای

نظرات خود بدون ذکر منبع آنها ارائه می‌کند. در این مقاله حداقل به دو علت که موجب سرقت علمی می‌شود، اشاره می‌کنیم.

▲ ناآشنایی با مفهوم سرقت علمی

بسیاری از کسانی که دست به سرقت علمی می‌زنند، اساساً این کار را از جنس سرقت نمی‌دانند؛ و گرنه دست به این کار نمی‌زنند. به این چند نمونه توجه کنید:

۱. دانشجویی با نام و مشخصات روشن، در ایمیلی به من نوشته بود: "جناب آقای دکتر عطاران من پایان‌نامه‌ام درباره دانشگاههای مجازی است و می‌خواهم مقاله شما را در پایان‌نامه خود بیاورم. ولی چون مقاله در اینترنت به صورت فایل پی‌دی‌اف است، نمی‌توانم آن را کپی پیست کرد. تایپ آن نیز وقت زیادی می‌گیرد. ممنون می‌شوم اگر فایل ورد آن را برای من بفرستید."
- این مقاله که من با یکی از همکارانم



نوشته بودم، نزدیک به ۲۰ صفحه بود و دانشجوی محترم به سادگی و صمیمیت اظهار می‌کرد که می‌خواهم آن را کپی پیست کنم. قطعاً او این کار را سرقت علمی نمی‌داند و از جنس دزدی به شمار نمی‌آورد.

۲. دوستی از من خواسته بود پژوهشی را که انجام داده‌ام، برای استفاده در پایان‌نامه‌اش، به او بدهم. من آن کار را به همراه کارهای دیگر به او دادم. پس از چندی به من گفت که مدتی است از پایان‌نامه‌اش دفاع کرده است و برخی از دوستانش به او گفته‌اند که کار رامنشر کند. از من درخواست کرد که کار را ببینم. من پایان‌نامه او را گرفتم و با کمال تعجب دیدم که بخشهای زیادی از کارهای من و سایر نویسندگان رابه عینه و بدون کم و کاست آورده است؛ بی این که منبع اصلی آنها را ذکر کند. قطعاً در این مورد یقین دارم که دوست محترم ما با مفهوم سرقت علمی آشنا نبوده است، وگرنه به سادگی آن را به من نمی‌داد و از من اظهار نظر نمی‌خواست. چون معمولاً کسی که می‌داند دزدی کرده است، مایل نیست کسی از راز او مطلع شود.

۳. دانشجویی فصل دوم کارش را برای من فرستاده بود تا آن را مطالعه کنم. وقتی آن را خواندم، دیدم مواردی را از مقاله‌ای برداشته است و تمام منابع ذکر شده در آن مقاله را به عنوان منابع خود آورده است، بی آن که به منابع اصلی اشاره کند. برایش نوشتم: «فصل دوم شما با مأخذ آن دریافت شد. یکی از مواردی که در مطالعه اولیه این فصل توجه مرا جلب کرد و از مسائلی است که اگر در کشور دیگری انجام می‌شد، قطعاً نتیجه‌اش اخراج دانشجوی از دانشگاه بود، مواردی است که

سرقت علمی به آن اطلاق می‌شود. یکی از مصادیق سرقت علمی آن است که نویسنده، مقاله یا کتابی را می‌خواند و مطالبی را از آن نقل می‌کند؛ بدون آن که به ذکر منبع اصلی بپردازد. همچنین، منابع متنی را که خوانده است، به عنوان منابع خود می‌آورد. شما موارد قابل توجهی از منابع بعضی مقاله‌ها را جزو منابع خود آورده‌اید، بی آن که به منابع اصلی اشاره کنید و بگویید به نقل از... این مورد قطعاً سرقت علمی محسوب می‌شود و من نمی‌توانم به عنوان کار شما تلقی کنم. برای اولین بار کار را ناشی از عدم اطلاع شما تصور می‌کنم و به جناب‌عالی فرصت می‌دهم که مقاله خود را بازسازی کنید؛ به منابع اصلی اشاره کنید و مجدداً مقاله را برای من بفرستید. ولی برای موارد بعدی رویه دیگری پیش خواهیم گرفت.»

پژوهش‌ها نشان می‌دهند، که فراگیرندگان نظامهای آموزشی که ارزش‌یابی در آنها براساس آزمونهای چندگزینه‌ای صورت می‌گیرد، در مقایسه با فراگیرندگان نظامهای آموزشی که ارزش‌یابی در آنها نگاهی به نوشتن دارد، دارای مهارتهای کمتری در نوشتن هستند

جوابی که از دانشجو دریافت کردم برایم جالب بود. مشخص بود که با مفهوم سرقت علمی آشنا نیست، چون در

پاسخ من آورده بود: «منابع ارائه شده در بخش فارسی، همگی را در اختیار دارم و شخصاً آنها را خوانده‌ام و ارجاع داده‌ام. در بخش انگلیسی، کلیه منابع مقاله‌ای و یا سایتی را نیز شخصاً خوانده‌ام و در اختیار دارم. همچنین، بیشتر منابع کتابی را در اختیار دارم. اما در این میان، چند منبع کتابی (حدود ۱۷ منبع) را نادرست ارجاع داده‌ام که پس از اصلاح، حضورتان ارسال می‌کنم.»

توجه کنید! او استفاده از ۱۷ منبع را در نوشته اول بی آن که خود آنها را خوانده باشد، با عنوان چند منبع می‌آورد؛ گویی که با قبح قضیه چندان آشنا نیست. در این موارد به نظر می‌رسد که باید مفهوم سرقت علمی را که به گمان من بسیار کسان، به خصوص دانش‌آموزان و دانشجویان، با آن آشنا نیستند، روشن کرد و برای افراد توضیح داد. مثلاً می‌توان گفت که اگر جمله‌ای، مستقیماً از افراد نقل قول می‌کنید، حتماً داخل گیومه بیاورید. یا اگر به منابع مقاله یا کتابی به عنوان مأخذ اشاره می‌کنید، منبعی را که از آن استفاده کرده‌اید، حتماً با عنوان «به نقل از» بیاورید. مثلاً اگر از کتاب «جهانی شدن: فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت»، نوشته محمد عطاران، استفاده کرده‌اید و او در مقاله‌ای که ترجمه کرده، نوشته است: «لنکستر و همکارانش (۱۹۹۶) معتقدند که فناوری اطلاعات، فضای محصور تعلیم و تربیت...»، شما نمی‌توانید متن ترجمه را بیاورید، بی آن که به منبعی که مورد استفاده شما بوده است، اشاره کنید و نیز نمی‌توانید تمام منابع متن ترجمه شده را به عنوان منابع خود بیاورید. زمانی مقاله فردی دانشگاهی را می‌خواندم و در میانه متن به یکباره متوجه شدم، حدود یک صفحه

و نیم متن برایم خیلی آشناست. وقتی دقت کردم در یافتنم که این فرد مقاله ترجمه شده‌ام را بی کم و کاست و بدون این که کلمات آن را تغییر دهد، آورده است. نه تنها از مترجم ذکر می‌کند که نیآورده، بلکه تمام منابع را هم به عنوان منابعی که خود مستقیماً از آنها استفاده کرده، آورده است.

ناتوانی در نوشتن

یکی از انگیزه‌های سرقت در مفهوم عام آن، ناتوانی فرد در کسب آن چه دزدیده است، در مسیر طبیعی و از راه عادی است. به همین قیاس، کسی که دست به سرقت علمی می‌زند، در واقع ناتوانی خود را از مسیری غیرطبیعی به توانمندی که ناشی از زحمت دیگران است، بدل می‌کند. اغلب کسانی که دست به سرقت علمی می‌زنند، از نوشتن ناتوانند؛ ناتوانی‌ای که در همه سطوح علمی متأسفانه دچار آن هستیم.

نوشتن نزد بسیار کسان که در نظام آموزشی ما تربیت می‌شوند، امری دشوار و گاه جانکاه است. نظام ارزش‌یابی ما هم به گونه‌ای است که دانش‌آموزان و دانشجویان ما را به سوی نوشتن در همه انواع آن، از توصیفی گرفته تا تحلیلی و نقادانه سوق نمی‌دهد. پژوهشها نشان می‌دهند که فراگیرندگان نظامهای آموزشی که ارزش‌یابی در آنها براساس آزمونهای چندگزینه‌ای صورت می‌گیرد، در مقایسه با فراگیرندگان نظامهای آموزشی که ارزش‌یابی در آنها نگاهی به نوشتن دارد، دارای مهارتهای کمتری در نوشتن هستند. [موسی‌پور، مهرانی و زندی، ۱۳۸۸]. به نظر خرمشاهی (۱۳۸۸)، دلیل ناتوانی در نوشتن بین ما ایرانیان آن است که بین ذهن و زبان فاصله افتاده

است و فکر می‌کنیم هنگام نوشتن چیزی باید بنویسیم که با آن چه در ذهن ماست، تفاوت دارد. او می‌گوید: اگر معلم اثنا بودم، به بچه‌ها به جای موضوعات کلیشه‌ای، می‌گفتم توصیفهای ساده بنویسند؛ مثلاً توصیف یک حادثه که برایشان اتفاق افتاده است. یا از بچه‌ها می‌خواستم که خلاصه یک مقاله دایرةالمعارف یا داستان را به زبان ساده بنویسند.

ارسطو: دو نوع دانش داریم، دانشهایی که با رفتن به نزد استاد و شنیدن آنها را کسب می‌کنیم؛ مانند ریاضیات و علوم طبیعی. نوع دیگر دانش از جنس اموری است که تنها با عمل مکرر کسب می‌شوند

ارسطو می‌گفت که ما دو نوع دانش داریم: دانشهایی که با رفتن به نزد استاد و شنیدن آنها را کسب می‌کنیم؛ مانند ریاضیات و علوم طبیعی. نوع دیگر دانش از جنس اموری است که تنها با عمل مکرر کسب می‌شوند. مثلاً کسی که می‌خواهد خوش‌نویسی را بیاموزد، تنها از طریق مشق مکرر، خوش‌نویس می‌شود. یا فن خطابه را تنها از طریق سخنوری مکرر می‌توان کسب کرد. گیلبرت رایل، فیلسوف انگلیسی، همین تقسیم‌بندی را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند. او می‌گوید: ما دو نوع دانش داریم: دانشهای ناظر بر واقعیت^۱ و دانشهای ناظر بر چگونگی^۲. بر این اساس باید دانش‌آموزان را به نوشتن و نوشتن و نوشتن ترغیب و تشویق کرد؛ آن هم بیشتر نوشتنهایی مبتنی بر توصیف، نوشتنهایی که رو به سوی تحلیل دارند بر این اساس، کسی که در نوشتن توانا می‌شود، می‌تواند ذهن خویش را در نوشتار خود به منصفه ظهور برساند و خود را عاجز از آن نمی‌بیند که مایملک دیگران را به عینه به نام خود عرضه کند.

پی‌نوشت

1. Knowing that
2. Knowing how

منابع

۱. حسرتی، مصطفی. نگارش دانشگاهی در دانشگاههای ایران: حلقه گمشده آموزش عالی. فصل نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. بهار و تابستان ۱۳۸۴.
۲. زاهدی، لادن ناز (۱۳۸۶). اقدامات سوء علمی در فرآیند پژوهشهای پزشکی و نگارش مقالات: مسئولیت حرفه‌ای. نشریه اخلاق در علوم و فناوری پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۳. موسی‌پور، نعمت‌اله مهرانی، مهشید؛ زندی، بهمن. بررسی مهارتهای نوشتاری بین دانشجویان نظام آموزش حضوری و از راه دور؛ مورد مطالعه: دانشگاه پیام‌نور و دانشگاه شهید باهنر کرمان. مجله آموزش عالی ایران. تابستان ۱۳۸۸.
۴. خرمشاهی، بهالدین ۱۳۸۸، طنز و تراژدی، انتشارات ناهید